

An Anthropological Study of the Phenomenon of 'Alam-keshi in the Mourning Processions of Afghan Migrants

Morteza Mohaghegh Varsi  / Master's Degree in Cultural Communication, Department of Social Sciences, Baqir al-'Ulum University.

Received: 2024/09/25 - **Accepted:** 2025/05/18

Mohaghegh123@gmail.com

Abstract

This article examines the phenomenon of 'alam-keshi in the mourning processions of Afghan migrants residing in Iran from a cultural anthropological perspective. This ceremony, which is in fact a form of mourning, is performed as a traditional religious ritual in various migrant communities. We have employed participant observation and interview techniques to describe it. This research indicates that although this ritual is less prominent in some Shi'a-populated areas of Afghanistan or is performed with slight variations in others, the people of Shi'a-populated areas in Afghanistan predominantly observe the mourning ceremony for Hazrat Abul-Fazl al-'Abbas (peace be upon him) alongside this ritual. However, what is observed today in the migrant processions (particularly in the central migrant processions) is that in large migrant-receiving cities, this religious ritual is performed with increasing fervor each year on the seventh night of Muharram. In this research, we aim to understand the historical, cultural, and value-based underpinnings of the phenomenon of 'alam-keshi, the symbols used in this ritual, and the quality of its performance in various regions. At the conclusion of this paper, it will be clarified what cultural consequences this religious phenomenon has had on the migrant community.

Keywords: 'Alam-keshi, Muharram, migrants, 'alam, procession.

نوع مقاله: ترویجی

بررسی انسان‌شناختی پدیده علم‌کشی در هیئات مهاجرین افغانستانی

Mohaghagh123@gmail.com

مرتضی محقق ورسی / کارشناس ارشد ارتباطات فرهنگی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم ☞

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

چکیده

در این مقاله پدیده علم‌کشی هیئات مهاجرین افغانستانی مقیم ایران، مورد بررسی انسان‌شناختی فرهنگی قرار گرفته است. این مراسم که درواقع نوعی عزاداری است، به‌عنوان یک آیین مذهبی سستی در اجتماعات گوناگون مهاجرین برگزار می‌شود. ما برای توصیف آن از تکنیک مشاهده مشارکتی و مصاحبه استفاده کرده‌ایم. در این تحقیق بیان شده که اگرچه این آیین در برخی مناطق شیعه‌نشین افغانستان کم‌رنگ بوده و یا در برخی نقاط دیگر با کمی زواید انجام می‌شده، اما مردم مناطق شیعه‌نشین افغانستان غالباً مراسم عزای حضرت ابوالفضل العباس ☞ را همراه با این آیین پاس می‌دارند. لکن آنچه امروزه در هیئات مهاجرین (به‌خصوص هیئات مرکزی مهاجرین) دیده می‌شود این است که در شهرهای بزرگ مهاجرپذیر، این آیین مذهبی هر ساله با حلاوت بیشتری در شب هفتم محرم انجام می‌شود. در این پژوهش برآنیم تا بدانیم پدیده علم‌کشی چه پشتوانه تاریخی، فرهنگی و ارزشی دارد، در این آیین از چه نمادهایی استفاده می‌شود و نیز کیفیت برگزاری آن در مناطق گوناگون چگونه است؟ و در پایان این نوشتار روشن خواهد شد که این پدیده دینی چه پیامد فرهنگی را بر جامعه مهاجرین داشته است؟

کلیدواژه‌ها: علم‌کشی، محرم، مهاجرین، علم، هیئت.

مقدمه

ضمن این توصیف سعی می‌شود به این پرسش‌های مطروحه در این زمینه هم پاسخ داده شود.

با جست‌وجوی مقالات و نگاشته‌هایی که در مورد عزاداری‌ها و آداب و رسوم خاص مناطق گوناگون انجام شده، می‌توان به این نکته اشاره کرد که آثار فقهی و کلامی در زمینه موارد مذکور نسبتاً بیشتر می‌باشد، ولی کارهای انسان‌شناختی در این موضوعات کمتر بوده و توجه زیادی به عزاداری‌های خاص با رویکرد انسان‌شناختی نشده است. اگرچه در میان مقالات، عنوان جداگانه‌ای که مستقلاً یا ضمناً به علم‌کشی پرداخته باشد، یافت نشد. در این فرصت می‌توان به برخی از مقالات با رویکرد انسان‌شناختی فرهنگی اشاره کرد که عبارت‌اند از:

مقاله‌های «بررسی مردم‌شناسانه نخل‌گردانی در بزرگداشت امام حسین» شهرستان مهریز استان یزد» (دشتکی، ۱۳۹۴)؛ «نخل‌گردانی محرم در درخش: نگاهی انسان‌شناختی» (حمیدی، ۱۳۹۵)؛ «آیین نخل‌آرایی و نخل‌گردانی روز عاشورا در ششتمد (سبزوار)» (سپهر و عسگری، ۱۳۹۲)؛ «عزاداری ماه محرم در برزگ (کاشان)» (مرادی بزرگی و عسلی، ۱۳۸۷)؛ «چنار خونبار (بررسی پدیدارشناختی پدیده چنار خونبار الموت قزوین)» (خانمحمدی، ۱۳۸۸)؛ «تحلیل مردم‌شناختی مناسک مذهبی در فرایند جهانی‌شدن؛ مطالعه موردی مناسک قالیشویان مشهد اردهال» (تقی‌زاده و خانمحمدی، ۱۳۸۵)؛ «گزارشی از ماه محرم در فیلیپین» (قلی‌رکنی، ۱۳۸۴)؛ «برگزاری ماه مراسم ماه محرم در کویت» (حسینی، ۱۳۸۴)؛ «مراسم سوگواری دهه محرم در دارالسلام» (عرب‌احمدی، ۱۳۸۴)؛ «نگاهی به مراسم عزاداری دهه محرم در لاهیجان» (وحیدی، ۱۳۹۴)؛ «محرم در اندونزی» (ظفرآقبال، ۱۳۸۴)؛ «سوگواری محرم در لس‌آنجلس» (مرتضوی، ۱۳۸۶)؛ «مراسم محرم در آناتولی ترکیه» (وثوقی، ۱۳۶۴).

یکی از مواردی که کیفیت بسیاری از آثار انسان‌شناختی را پایین می‌آورد توجه به توصیف پدیده‌هاست، یعنی توضیح و توصیف صرف پدیده‌ها که این خود باعث کسلی مخاطب و عدم جذابیت متن و در نتیجه ادا نشدن حق مطلب و پدیده مورد گزارش است، از این رو در این مقاله سعی شده به توصیف صرف بسنده نشود و برای رعایت جذابیت و غنای محتوای این نوشتار، و رهایی از یکدستی آن، به دو

شیعیان سراسر دنیا دارای فرهنگ‌های متعددی بوده و بخشی از این فرهنگ در مراسم محرم به نمایش گذاشته می‌شود. شیعیان در محرم آیین عزاداری را با الگوهای فرهنگی بومی خودشان برگزار می‌کنند. این تنوع فرهنگی شیعیان باعث گردیده انواع عزاداری و آداب و رسوم خاصی در هریک از مرز و بوم شیعه‌نشین برگزار شود و هر کدام با آیین و مراسمی خاص به اقامه عزا بپردازند (همانند تعزیه در شهرستان‌های ایران یا نخل‌گردانی در ششتمد سبزوار و مهریز یزد).

افغانستان یکی از مناطقی است که اگرچه مردم آن مسلمان هستند، ولی شیعیان آن در اقلیت بوده و فقط برخی استان‌ها هستند که تمامی و یا اکثر قریب به اتفاق آنها شیعه هستند، مانند بامیان، دایکندی، غزنی، مزار و... تقریباً جمعیت شیعیان آن حدود ۲۵ الی ۳۰ درصد می‌باشد. یکی از آیین‌های خاص عزاداری که در این اقلیم و در ایام محرم برگزار می‌شود، «علم‌کشی» است که در بسیاری از شهرهای شیعه‌نشین افغانستان از مراسم‌های اصلی محرم محسوب می‌شود و عده بسیاری را در این شب مخصوص به حسینه‌ها و تکایا می‌کشاند.

آنچه امروزه در هیئات مرکزی مهاجرین افغانستانی مشاهده می‌شود، برگزاری پر شور و حال این آیین است، به‌طوری‌که در این هیئات که مهاجرین نقاط مختلف افغانستان در آن شرکت دارند، گویی تمام عزاداران منتظر این شب و این مراسم اندوهناک هستند و احساس می‌شود این آیین هر سال پرحرارت‌تر از گذشته برگزار می‌گردد. در این میان، اگر با نگاه انسان‌شناختی فرهنگی به بررسی ایمیک و درونی این پدیده بپردازیم، باید در این تحقیق، به چند سؤال پاسخ دهیم:

- پشتوانه تاریخی، فرهنگی و ارزشی این آیین چیست؟
- آیین علم‌کشی از نگاه صوری و محتوایی چگونه است؟
- در این آیین از چه نمادهایی (دیداری، شنیداری و گفتاری) استفاده می‌شود؟

- افزوده‌های فرهنگی مناطق و اقوام چه آثاری بر کیفیت این آیین به جای گذاشته است؟

بنابراین آنچه در این تحقیق به دنبال آن خواهیم بود، توصیف کردن مراسمی است که امروزه مهاجرین افغانستانی در هیئت‌های خود، در ایام محرم با عنوان علم‌کشی برگزار می‌کنند. همچنین در

آن در محرم و سایر اوقات سال دارند؛ چراکه آنها نیز می‌توانند اطلاعات مناسبی در این زمینه در اختیار نگارنده قرار دهند.

۱. مفهوم علم و علم‌کشی در کتب و فرهنگ‌های مختلف

۱-۱. بررسی لغوی

واژه علم از ریشه علمَ يَعْلَمُ یا یَعْلَمُ علمه بوده و این‌گونه معنا می‌دهد: علامتی بر روی آن گذاشت، یا آن را با داغ کردن علامتگذاری کرد. خود واژه العلم نیز جمع اعلام بوده و به معنای پرچم علم یا پرچمی که بر روی نیزه سوار می‌کنند می‌باشد (بندرریگی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۷۰).

۱-۲. بررسی تاریخی عنوان «علم در فرهنگ اسلامی»

هر گاه به نیزه یا عصا چیزی بسته شود، در زبان عرب به آن لواء گفته می‌شود. به آن رایت یا علم هم می‌گویند (موسوی مقرر، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). رسم این بوده که روی پرچم‌ها نام خلفا و فرماندهان را به‌منظور گرامیداشت آنان و ترساندن دشمن و تقال برای پیروزی و گاه آیات قرآن را می‌نوشتند. در یکی از معابد دیرالظاهر شهر برغوس اسپانیا پرچمی از حریر یکدست یافت شده که بر آن آیات قرآن همراه با آیات زیبا ترسیم شده است (موسوی مقرر، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). به‌هرحال پرچم سبب نظام و نشانه برپایی سپاه بوده است و مادام که در پیشاپیش سپاه در اهتزاز بود، از فروپاشی سپاه جلوگیری می‌کرد و نویدبخش پیروزی بود. از این‌رو پرچم همیشه به دست مردان دلیر و متهور، غیور و متعصب داده می‌شد. مردانی امین که قدرت و جاه، زر و مال در اراده آهنین آنان اثر نمی‌گذاشت (موسوی مقرر، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵).

ریشه واژه علم‌کشی به کلمه معروف علم برمی‌گردد و درواقع هم‌معنای پرچم می‌باشد. در کتاب چهره درخشان قمر بنی‌هاشم در تعریف پرچم اینچنین آورده شده: به پارچه‌ای که بر سر چوب کنند و علامت یک کشور، یا بخشی از ارتش، و یا یک دسته‌ای باشد، پرچم و بیرق و درفش و لوا و علم و رایت گفته می‌شود (ربانی خلخالی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶).

به فرازی از سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام به‌عنوان شاهد بر این سخن اشاره می‌کنم: «پرچم لشکر را بالا دارید و پیرامون آن را خالی مگذارید، و جز به دست دلاوران و مدافعان سرسخت خود نسپارید؛ زیرا آنان که در حوادث سخت ایستادگی می‌کنند، از پرچم‌های خود

بخش تحلیل صوری و تحلیل محتوایی پدیده علم‌کشی پرداخته شود تا ضمن توصیف یکایک آداب و رسوم این نوع عزاداری، به تحلیل آنها نیز پرداخته شود. همچنین با توجه به اینکه سابقاً به این موضوع پرداخته نشده و کسی این آیین را توصیف علمی نکرده است، می‌تواند پژوهشی نو در باب آیین‌های عزاداری سنتی شیعیان در ماه محرم باشد.

در این پژوهش همانند اکثر پژوهش‌های انسان‌شناختی از روش کیفی استفاده شده است. همچنین برای رسیدن به فرضیه صحیح و روشن شدن همه ابعاد آن، از تکنیک‌های مشاهده مشارکتی، مصاحبه و توصیف و تفسیر استفاده شده است.

الف. مشاهده مشارکتی

با توجه به اینکه خود نگارنده اصالتاً افغانستانی بوده و در زیست‌جهان فرهنگی آن سامان، رشد یافته است، به‌خوبی با نحوه و چگونگی اجرای این آیین آشناست. بنا بر همین نکته، یکی منابع مشاهدتی نگارنده، تجربه زیسته اوست. از آنجاکه می‌بایست این مراسم به‌عنوان یک پدیده انسان‌شناختی فرهنگی توصیف و تحلیل شود، دامنه زمانی مشاهده مشارکتی نگارنده از سال ۱۳۹۶ با دقت و حساسیت بیشتری دنبال گردید. هم‌زمان با مشاهده آیین‌های عزاداری جامعه هدف دسته‌بندی، تحلیل و بررسی مردم‌شناختی آن نیز صورت می‌گرفته است. همچنین تلاش شده که مراحل اجرای آیین‌های مذهبی با دقت مشاهده گردیده و حالات و احساسات عزاداران به‌خوبی توصیف شود تا از این طریق خواننده بتواند خود را در این آیین تصور کند و گویی اجرای آن را از نزدیک دیده است.

ب. مصاحبه

از آنجاکه یکی از سؤالات پژوهش این است که «آیا پدیده علم‌کشی در مناطق شیعه‌نشین افغانستان هم اجرا می‌شده و اینکه آیین علم‌کشی از نگاه صوری و محتوایی چگونه می‌باشد؟ نیاز به انجام مصاحبه با کسانی بود که بخشی از زندگی خود را در افغانستان گذرانده و تجربیات مبسوط‌تری داشتند. بنابراین اقتضا علمی بحث این بود که با دو دسته از افراد مصاحبه صورت گیرد و در مجموع حدود ۳۰ مصاحبه انجام شد: ۱. مبلغانی که به‌عنوان روحانی و مجری اصلی برنامه‌های مذهبی در هیئات حضور داشته‌اند. ۲. افرادی که نقش فعالی در برگزاری هیئات و اجرای آیین‌های سنتی

این طریق به اقامه عزا می‌پردازد. این نوع علم با طراحی خاص و زنگوله‌هایی که دارد در هنگام حرکت، ایجاد صدا کرده و پره‌های بزرگ و نمادینی که در تمام این علم‌ها تعبیه شده، در هنگام علم‌گردانی، به جلو و عقب متمایل می‌شود؛ گویی این علم لحظات سخت حفظ علم توسط حضرت ابوالفضل (ع) را تداعی کرده و حال عزاداران را بیشتر عاشورایی می‌کند.

۱-۴. علم در فرهنگ افغانستانی

در شهر کابل افغانستان هم هر ساله، در زیارتگاهی به نام قدمگاه سخی پرچم و علمی به نام حضرت علی (ع) توسط اهل سنت و شیعه برافراشته می‌شود. این علم که تقریباً هشت الی ده متر طول دارد، طی یک مراسم خاص و با حضور مردم، به منظور گرامی داشت سال نو خورشیدی و به خلافت رسیدن حضرت علی (ع) برافراشته می‌شود. در این مراسم که در عید نوروز برگزار می‌شود، یک عالم شیعه و یک عالم سنی به نوبت سخنرانی می‌کنند و افراد عالی‌رتبه دولتی هم در این مراسم شرکت می‌کنند و پرچم مذکور تا ۴۰ روز برافراشته می‌ماند. مردم کابل به شدت به این علم تبرک می‌جویند و به آن اعتقاد خاصی دارند. همان‌طور که ذکر شد این علم به نام «علم علی (ع)» معروف است و ربطی به آیین علم‌کشی محرم ندارد.

امروزه پدیده علم‌کشی یکی از سنن به نام و مورد توجه در بین هیئات شیعی مهاجرین افغانستان می‌باشد و در ده سال اخیر، بسیار پررونق و با حلاوت خاصی در بین این هیئات برگزار می‌شود. این شب در میان دهه محرم از اهمیت و شور خاصی برخوردار بوده، به گونه‌ای که همه اهالی هیئت، اعم از پیر و جوان و زن و مرد، سعی می‌کنند هرگز این شب را از دست ندهند و به خاطر ارادت خالص و عمیقی که نسبت به حضرت باب‌الحوائج دارند، در این شب حتماً در مجالس عزاداری شرکت می‌کنند. قابل ذکر است که این تحقیق در ابتدا با پیش‌فرض انجام این مراسم در تمامی شهرهای شیعه‌نشین افغانستان، و در پی آن، در تمامی هیئات مهاجرین آغاز شد. اما با سؤال و جواب و مصاحبه‌هایی که از برخی مبلغان افغانستانی که از مناطق مختلف افغانستان بودند، انجام شد، این پیش‌فرض تغییر کرد؛ چراکه متوجه شدم اگرچه غالب مناطق افغانستان این مراسم را دارند، ولی برخی نقاط (هرچند بسیار کم) این آیین را در عزاداری خود ندارند. از این‌رو تصمیم گرفته شد که از برخی اعضای هیئات و

بهتر پاسداری می‌نمایند و آن را در دل لشکر نگاه می‌دارند و از هر سو، از پیش و پس و اطراف، مراقب آن می‌باشند، نه از آن عقب می‌مانند که تسلیم دشمن کنند و نه از آن پیشی می‌گیرند که تنها رهایش سازند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ص ۲۳۷).

۱-۳. علم در فرهنگ ایرانی

به نظر می‌رسد که نوعی علم در زمان آل‌بویه برای مراسم محرم استفاده می‌شده است. در زمان آق‌قویونلوها، طبل و علم از امامزاده‌ها توسط علما در مراسم مذهبی حمل می‌شده است. با تشکیل دولت شیعی صفوی، علم به صورت گسترده‌ای در مراسم محرم و سایر مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. قدیمی‌ترین علم‌های ایرانی در کاخ توپ‌قاپی استانبول نگهداری می‌شود. این علم‌ها از غنایم جنگی است و پس از تصرف شهر تبریز توسط سپاهیان عثمانی، شاه سلیم آنها را به استانبول منتقل کرد که پس از رواج تشیع در زمان شاه اسماعیل مورد استفاده دسته‌ها قرار می‌گرفت، از صفحه‌ای آهن به صورت تیغه‌ای باریک و بلند ساخته می‌شد. در رأس آن علامت و نشان سنتی و قومی قبیله و در شیعه‌مذهبان نام الله یا نام الله و محمد و علی یا نام الله و پنج تن نقره‌کاری (نقره‌کوبی) یا کنده‌کاری می‌شد. تیغه باریک و بلند آهنین با صفحه‌ای مدور و بزرگ‌تر در انتهای تیغه که دارای قابی از فلز بود خاتمه می‌یافت. دور این قاب را با سرهای اژدها که از هنرهای چینی و ژاپنی اقتباس شده بود، می‌آراستند. این علم‌ها بر روی دسته‌ای چوبی یا فلزی قرار می‌گرفت و پیشاپیش دسته‌ها حمل می‌شد. در سال‌های بعد، به‌خصوص در دوران زندیان و قاجاریه، تزئینات دیگری به علم‌های دسته اضافه شد و عزاداران مذهبی در ایام سوگواری یا بزرگداشت و تشریفات دیگر آنها را به کار می‌بردند (ویکی‌پدیا).

امروزه علمی که در دسته‌جات عزاداری در ایران مرسوم است، چیزی شبیه به همین علمی است که ذکر شد؛ علمی فلزی و بزرگ که هم دارای ارتفاع دو یا سه متری، و هم پهنای چندین متری است. علمی بسیار سنگین که فقط انسان‌های نیرومند قادر به بلند کردن و جابه‌جا کردن آن هستند. معمولاً این کار در روز تاسوعا و مخصوصاً عاشورا انجام می‌شود و جوانانی که طالب این علم‌گردانی هستند در این روز با کمربندهای مخصوص و محکم چرمی در هیئت حاضر می‌شوند و هر کسی به فراخور توان و نیتی که دارد، از

۱-۱. بنیاد ارزشی و اعتقادی علم‌کشی

با توجه به نکات مذکور در بررسی تاریخی، جایگاه علم و علمدار در بین سپاهیان و جنگاوران و فرهنگ زمان صدر اسلام روشن شد، اما علم و آیین علم‌کشی در میان شیعیان از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و زیربنای ارزشی و اعتقادی آن، حضرت ابالفضل العباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام است.

نام ابالفضل پیام‌آور شهامت، شرافت، دیانت، غیرتمندی، رفعت، بزرگواری، و سیادت حضرت ابالفضل علیه السلام است. حضرت ابالفضل علیه السلام پرچمدار حضرت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بود. پرچمداری در چنین وضعیت نشان از شجاعت، صلابت، غیرت و معرفت پرچمدار است.

۲. تحلیل انسان‌شناختی علم‌کشی

۲-۱. تحلیل صوری (نمادها و نشانه‌ها)

الف) علم

طبق بیان گیرتر، هر کدام از نشانه‌هایی که در این آیین خاص استفاده می‌شود معنایی خاص را در فرهنگ عزاداری مردم افغانستان ایفا می‌کند که این معانی را می‌توان از متن این مناسک بیرون کشید و به تفسیر آن پرداخت. البته برای این کار باید با فرهنگ شیعیان افغانستان و هم با فرهنگ شیعه آشنایی نسبی پیدا کرد. اکنون با پرداختن به متن این آیین نمادین، به تحلیل صوری نمادهای آن می‌پردازیم.

در این مراسم یک علم نمادین که به‌عنوان یادبودی از علم حضرت عباس علیه السلام است، تهیه می‌شود. البته این علم با علم مرسوم در ایران فرق دارد. این علم از یک چوب تقریباً صد و هشتاد سانتی‌متری ساخته می‌شود که گاهی به فراخور بزرگی و جمعیت هیئت ممکن است بلندتر هم باشد. مثلاً در هیئت مرکزی مهاجرین در شهر ری که در مسجدی داخل خیابان حرم برگزار می‌شد از علمی بلندتر استفاده می‌شود.

ب) پارچه سبز

روی چوب علم را با پارچه‌های سبز رنگ می‌پوشانند، به‌طوری‌که پارچه‌ها تقریباً به انتهای چوب و گاهی روی زمین می‌رسد. در این حالت این چوب با چندین پارچه سبز رنگ احاطه شده که از حالت برهنگی و چوب خالی بودن، خارج شده است و درواقع دیگر بدنه

میلغان که تجربه بیشتری دارند در این مورد مصاحبه شد که آیا در افغانستان این آیین را اجرا می‌کرده‌اند و تجربیاتشان از اجرای این مراسم چه بوده است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا این آیین از سال‌های اولیه در هیئات مهاجرین نیز اجرا می‌شده، یا اینکه فقط در سال‌های اخیر مراسم علم‌کشی به آیین محرم اضافه شده است؟

در این مرحله با پرسش‌هایی که به‌طور رندم از چند تن از طلاب مبلغ جامعه المصطفی و افراد قدیمی‌تر هیئات انجام شد، به این نتیجه رسیدم که در برخی مناطق شیعه‌نشین همانند زابل افغانستان این مراسم یا وجود نداشته و یا به این صورت انجام نمی‌گرفته است؛ مثلاً در برخی مناطق همانند مهاجرین سمنان و گرمسار که برخی از هیئات مربوط به مهاجرین شهر دایکندی افغانستان در آنها دایر می‌باشد، علاوه بر مراسم مذکور در بخش توصیف علم‌کشی (که معروف و مدنظر این تحقیق نیز می‌باشد)، مراسمی هم به‌عنوان آماده کردن علم دارند و این مراسم را نیز جزئی از علم‌کشی می‌دانند.

همچنین در برخی مناطق همانند دره صوف افغانستان برای انجام علم‌کشی در روز عاشورا، علم هیئت را برداشته و همراه با جمعیت عزادار به حسینیه روستا یا منطقه مجاور رفته و همراه با آنان مشغول عزاداری می‌شوند و در پایان هم همگی مهمان سفره حضرتش می‌شوند.

در سؤالاتی که از یکی از میلغان قدیمی اهل افغانستان داشتم، اشاره‌ای به قدیمی بودن این مراسم در بین مهاجرین کرد و نشانه بارز آن را هیئت حسینی مرکزی مهاجرین دانست. این گفت‌وگو بنده را بر آن داشت تا به حاج کاظم خیاط (مسئول امور مالی هیئت حسینی مرکزی مهاجرین استان قم) مراجعه کنم. لازم به ذکر است که هیئت مذکور یکی از هیئات باسابقه و پرجمعیت در قم است که از سال ۱۳۵۹ در مسجد حضرت زهرا علیه السلام در منطقه شاه ابراهیم قم تأسیس و شروع به فعالیت نموده است، و به گفته این مسئول هیئت، هیئت حسینی قدیمی‌ترین هیئت مرکزی مهاجرین می‌باشد.

منظور از هیئت مرکزی مهاجرین هویت فراقومیتی این هیئت بوده، به‌گونه‌ای که بسیاری از مهاجرین، از تمام قم در این مجلس و مجالس مرکزی مشابه نیز شرکت می‌کنند. یکی از برنامه‌های اصلی این هیئت از همان سال‌های اولیه مراسم علم‌کشی بوده که به صورت پرشور و مستمر برگزار می‌شده است و جوانان و عزاداران از همان سال‌ها به این مراسم ارادت خاصی داشتند.

همچنین بانوان مجلس در این شب پارچه‌هایی را همراه خود آورده و آنها را به علم گره زده و به آن آویزان می‌کنند، اما کارکرد و هدف این پارچه‌ها بر روی علم چه خواهد بود؟

درواقع برای تحلیل این عمل می‌توان گفت که این علم به قدری برای زنان و مردان عزادار ارزشمند و دارای حرمت می‌باشد که علاوه بر بذل نذورات و قربانی در پای علم و تبرک جستن به آن، عده‌ای که حاجتی دارند و یا خواستار عرض ارادت به ساحت مقدس حضرت ابالفضل العباس علیه السلام هستند پارچه‌های خود را به نشانه دخیل به آن می‌بندند و با این کُش معنادار، حضرتش را برای برآورده شدن حاجاتشان واسطه می‌نمایند.

بعد از پایان مراسم دهه اول محرم، در شب آخر مراسم و بعد از روضه خواندن و سینه‌زنی، بزرگان هیئت جمع شده و پارچه‌هایی که توسط بانوان مجلس بر روی علم بسته شده (غیر از پارچه‌های سبزرنگ خود علم) را باز می‌کنند. با توجه به اینکه این پارچه‌ها چند روزی بر روی علم متبرک بوده‌اند، اکنون بسیار برای عزاداران با ارزش هستند و هر کسی میل دارد تا یکی از این پارچه‌های علم نصیب او شود، اما این پارچه‌ها قسمت چه کسانی خواهد شد؟ با توجه به اینکه پیش‌تر گفته شد در مجالس محرم اگرچه هیئات ممکن است یک یا دو مداح اصلی داشته باشند، اما به‌غیر از آنان، کسانی که توانایی نوحه خواندن را داشته باشند نیز دقایقی به مداحی می‌پردازند. بنابراین این پارچه‌ها به مداحان و کسانی که در طول این شب‌ها نوحه می‌خوانند تعلق خواهد گرفت؛ یعنی اگر کسی فقط یک شب هم نوحه‌سرایی کرده باشد، باز هم یکی از این پارچه‌ها سهم او خواهد بود. همچنین به مقداری از این پارچه‌های متبرک به واعظ جلسه و در برخی هیئات به کسانی که در طول مدت ایام روضه خدمت‌رسانی به عزاداران مشغول بوده‌اند، داده می‌شود.

بعد از پایان مراسم و باز شدن تمامی پارچه‌هایی که بانوان مجلس به آن بسته‌اند و تقسیم آنها بین اعضای هیئت، به‌نحوی که گفته شد، این علم دوباره به حالت اول خود (پوشیده‌شده با پارچه‌های سبز) درمی‌آید و به محل نگهداری و وسائل هیئت تا سال بعد انتقال پیدا می‌کند.

۲-۲. تحلیل محتوایی (نمادهای دیداری گفتاری و فرهنگی)

الف) قربانی و نذورات

بعد از اینکه این علم توسط بزرگان هیئت تهیه شد یا در صورت تهیه شدن در سال‌های گذشته، آماده و غبارروبی و تطهیف شد، برای شب

چوب پیدا نخواهد بود. این رنگ سبز پارچه‌های علم نماد رنگ سبزی است که منتسب به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشد، کما اینکه از قدیم‌الایام خاندان پیامبر را با رنگ سبزی که اشاره به سادات بودن آنهاست، نشان می‌دادند. این رنگ سبز وقتی سر تا پای علم را می‌پوشاند، اُبهت و حالت روحانی خاصی به آن می‌بخشد، البته برداشت این حالت روحانی و اُبهت ممکن است به خاطر پیش‌زمینه‌های مذهبی ما شیعیان باشد و شاید مردم سایر فِرَق این حس را نداشته باشند. این پارچه‌ها را از بالای علم با نخ یا طناب ظریفی بر روی علم می‌بندند تا بر روی آن ثابت بمانند و سایر پارچه‌ها را بر روی آن گِره می‌زنند.

ج) دست‌نمادین روی علم

بر روی این پارچه‌ها و قسمت بالای چوب که اکنون با پارچه‌ها مستور شده، یک دست‌نمادین فلزی زرد رنگ و گاهی سفید رنگ چسبانده می‌شود. معمولاً درون این دست‌های نمادین که شامل قسمت میچ دست تا نوک انگشتان است، نام سقا یا ابالفضل العباس و یا القاب منتسب به حضرتش حک شده است. این دست نمادی از دستان قلم‌شده حضرت ابالفضل العباس علیه السلام می‌باشد. وجود این دست نیز کمی به حالت روحانی و خاص علم می‌افزاید و وقتی در هنگام روضه به میان جمعیت آورده می‌شود، کمتر عزاداری است که بتواند جلوی سیل اشک خود را بگیرد و با دیدن آن، آه از نهاد دل نکشد. بیشتر هیئات برای این علم پایه‌ای آهنی تعبیه می‌کنند تا این علم بر روی آن استوار باشد و نیازی نباشد کسی دائماً آن را نگه دارد و تا شب‌های پایانی در میان خیل عزاداران نمایان باشد.

د) پارچه‌های دخیل روی علم

به منظور اینکه بانوان مجلس نیز از این علم بهره‌ای داشته باشند و بتوانند به این علم تبرک بجویند، بعد از اینکه سینه‌زنی دور علم به پایان رسید و همه روی زمین نشستند تا مراسم سینه‌زنی ادامه یابد، کسی که علم را در دست دارد، آن را به بخش بانوان هدایت می‌کند و به‌این‌ترتیب علم نمادین حضرت باب الحوائج وارد قسمت زنان می‌شود، اما زنان هیئت نیز استقبال خاصی از این علم دارند. آنها همگی اطراف علم را گرفته و با چشمانی که معمولاً هنوز اشک‌بار است برای مظلومیت آل‌الله گریه و نوحه‌سرایی می‌کنند و با علاقه و اعتقاد خاصی خود را به این علم و پارچه‌های آن متبرک می‌کنند.

این جمعیت علم به دست، سخنران، روضه خود را قطع می‌کند و اداره مجلس را به آنها می‌سپارد، اما این علم با چه کیفیتی وارد مجلس می‌شود؟ شخصی علم را به دست دارد و آن را به آرامی و طمأنینه به طرف وسط مجلس حرکت می‌دهد. در هیئات کوچک‌تر این فرد می‌تواند یکی از خردسالان و یا فرد بزرگ‌تری باشد، در هیئات بزرگ و پرجمعیت یکی از بزرگ‌ترها علم را حمل می‌کند، چندین نفر وی را احاطه می‌کنند تا وقتی مردم و عزاداران با حال اندوهناک برای تبرک جستن به علم پیش می‌آیند، مشکلی برای علمدار پیش نیامده و بین جمعیت آسیبی نبیند. از این‌رو در این هیئات پرجمعیت، میانداران و قدیمی‌ترها سعی می‌کنند عزاداران را آرام کرده و آنها را در حلقات سینه‌زنی تشکیل‌شده در اطراف علم جای داده و یا در صف‌های سینه‌زنی بنشانند تا مجلس از حالت عادی خارج نشود.

بعد از اینکه روضه‌خوان مجلس را تحویل عزاداران و سینه‌زنان داد، مداح اصلی هیئت که معمولاً بزرگ‌تر و باسابقه‌تر از سایر مداحان و قدیمی‌تر از سایرین است، اداره مجلس را به دست می‌گیرد و همان بیتی که سینه‌زنان زمزمه می‌کنند را با صدای بلندتر و هماهنگ با آنها تکرار می‌کند. همچنین همراه با علم، تنی چند از عزاداران که آنها نیز معمولاً از بزرگ‌ترها و قدیمی‌های هیئت هستند هم وارد مجلس شده و با سبک خاص و البته هماهنگ با بیتی که همه زمزمه می‌کنند در اطراف علم سینه می‌زنند. این عده علم را با همین منوال و با احترام خاصی تا وسط مجلس شایعت می‌کنند. در این میان تمام جمعیت عزادار که معمولاً هنوز در حال اشک ریختن هستند، با دیدن علم و شنیدن ابیات مذکور که برای همه آنها نشان از آغاز این مراسم نمادین دارد، روی پا ایستاده و همراه با سایرین شروع به سینه زدن می‌کنند. افراد مُسن و سالمند هم در گوشه و کنار مجلس همانند سایرین ایستاده و پابه‌پای سایرین اقامه عزا کرده، به آرامی سینه می‌زنند. همین‌طور که علم را به وسط مجلس و جلوی منبر و یا جایگاه خاص خودش حمل می‌کنند، جوانان و سینه‌زنان خود را از جای مراسم به اطراف آن می‌رسانند و حلقاتی را در اطراف آن تشکیل می‌دهند و با زمزمه کردن بیت مذکور، مجلس را گرم و پرشور می‌کنند.

وقتی علم در وسط مجلس و در جای مناسب استقرار یافت و عزاداران و سینه‌زنان به‌خوبی در اطراف علم قرار گرفتند و حلقات سینه‌زنی با نظم خاص خود تشکیل شد، مداح مجلس شروع به خواندن

هفتم محرم به مجلس عزا آورده می‌شود و در اتفاقی غیر از محل برگزاری مراسم یا پشت پرده یا محلی که جدای از مجلس، ولی نزدیک به آن باشد، قرار می‌گیرد. افراد هیئت اعتقاد خاصی به این علم دارند و با حالتی خاص به آن تبرک جسته و پارچه‌های آویخته‌شده به علم را به منظور تبرک، به سر و صورت خود می‌مالند. با توجه به اینکه حضرت عباس به باب الحوائج معروف است، عده‌ای از عزاداران که برای شب علم‌کشی نذر کرده‌اند و یا برخی که به رسم هر ساله در این شب و برای علم حضرتش قربانی در نظر گرفته‌اند، جلوی علم گوسفند قربانی می‌کنند. گاهی در هیئات مرکزی و یا هیئات بزرگ‌تر در پای علم چندین قربانی ذبح می‌شود و صاحبان نذر از این طریق ارادتشان را به روضه و علم و حضرت باب‌الحوائج اعلام می‌دارند. عده‌ای هم مبالغ نذری خود را (هرچند کم باشد یا زیاد) به پارچه‌های علم سنجاق می‌کنند. در برخی از هیئات هم وجوه نقدی را که صاحبان نذر برای علم در نظر گرفته‌اند را در صندوقچه‌ای که برای نذورات در نظر گرفته‌شده جمع می‌کنند.

(ب) نوحه‌سرایی و سینه‌زنی

در این شب مراسم عزاداری همانند شب‌های گذشته با سخنرانی آغاز می‌شود و واعظ در پایان صحبت‌هایش به مصائب حضرت باب‌الحوائج پرداخته و شروع به روضه‌خوانی می‌کند. در این شب، مجلس عزا برخلاف شب‌های قبل بعد از روضه به پایان نمی‌رسد؛ یعنی روضه‌خوان مصائب حضرت ابوالفضل را برای مستمعان ذکر می‌کند و مجلس را سراسر اشک و اندوه و ناله‌های عزاداران برای حضرتش می‌نماید. وقتی که ذکر روضه ایشان به اوج خود رسید و صدای گریه عزاداران فضا را روحانی کرد، جمعی علم به دست وارد مجلس می‌شوند و همگی با هم بیتی معروف در رسای حضرت باب الحوائج را تکرار می‌کنند:

این علم از کیست که بی‌صاحب است

این علم از ماه بنی هاشم است

این لحظات دارای روحانیت عجیبی است و عزاداران که غرق در اشک و ناله برای قمر بنی‌هاشم هستند، با دیدن این علم نمادین، گویی داغشان تازه‌تر می‌شود و صحنه‌ای از حادثه عاشورا در پیش چشمانشان تداعی می‌شود و عده‌ای با تمام وجود از این علم تبرک جسته و اشک‌های چشمانشان را به این علم آغشته می‌کنند. با ورود

نوحه در رسای علمدار کربلا کرده و معمولاً از اشعار معروفی که در این شب خاص بین هیئات مهاجرین مرسوم است استفاده می‌شود:

این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
این علم از کیست که غرق خون است
این علم از کیست که واژگون است
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
حضرت عباس علمدار کو
ماه بنی‌هاشم و سردار کو
آن تن بی‌دست سپهدار کو
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
این من و این نعش علمدار من
غرقه بخون گشته سپهدار من
تنگ شده اندر این جهان کار من
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
از چه خمیده قد سالار من
از چه جان داده علمدار من
یک تن دیگر نمانده یار من؟
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
بمیرم از بهر علمدار تو
آن مه تابان و فداکار تو
آن سپهسالار و علمدار تو؟
این علم از کیست که بی‌صاحب است
این علم از ماه بنی‌هاشم است
حضرت عباس دلاور چه شد
قاسم تو با علی اکبر چه شد
عون و تو و جعفر و اصغر چه شد؟

عزاداران، مخصوصاً جوانان هیئت که هنوز به منظور عرض ارادت به ساحت باب الحوائج روی پا ایستاده‌اند، با سینه‌ای آکنده از غم و با

سبک خاص افغانستانی شروع به سینه زدن می‌کنند. در هیئاتی که جمعیت بیشتری دارند چندین حلقه از جوانان و افراد سینه‌زن در اطراف علم تشکیل می‌شود و در هیئات کوچک‌تر یک، دو یا سه حلقه از عزاداران اطراف علم را می‌گیرند. جوانان و سینه‌زنان هیئت، با این کنش نمادین به اهل‌بیت و مخصوصاً سیدالشهداء ابراز ارادت نموده و اعلام می‌دارند که اگرچه سقای لشکر حضرت اباعبدالله (ع) از پا افتاد و با فرق خونین به شهادت رسید، اما جوانان شیعه هیچ‌گاه نمی‌گذارند علم و نشان حضرت ابا عبدالله (ع) روی زمین بماند و تا آخرین نفس پای این علم و این مکتب خواهند ایستاد.

در این لحظات واقعاً حالت روحانی خاصی در مجلس حاکم و است و علم عزای سیدالشهدا در وسط مجلس خودنمایی عجیبی کرده و نگاه‌ها را به خود جذب می‌کند و بی‌اختیار اشک‌ها را روان می‌کند، به‌خصوص اینکه هنوز دقایقی از ذکر روضه باب‌الحوائج نگذشته و اکنون نیز مداح در حال خواندن نوحه جانسوز علمدار کربلا می‌باشد. در این لحظات دست‌های سینه‌زنان در سراسر مجلس و مخصوصاً در اطراف علم، با نظم خاصی بالا و پایین می‌رود و علامت دست قلم‌شده نمادین قمر بنی‌هاشم که در بالای علم نصب شده، در میان دستان ارادتمندان به حضرتش دیدنی می‌شود. گویی تمامی عزاداران آماده فدا کردن دست خود برای باب‌الحوائج بوده و از طرفی انگار این دست نمادین به تمامی سینه‌زنان عنایتی خاص داشته و به آنان نظر دارد. برخی از هیئات برای بهتر برگزار شدن مراسم در این شب خاص، از مداحان باسابقه‌تر سایر هیئت‌های مهاجرین دعوت می‌کنند و این مداح مدعو نوحه ابتدای مراسم علم‌کشی را خوانده و به گرمای مجلس می‌افزایند.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت اینکه در هیئت‌های مهاجرین اگرچه یک یا دو نوحه‌خوان باسابقه‌تر و اصلی وجود دارد، ولی هر شب تعداد زیادی از نوحه‌خوانان دیگر هم به نوحه‌خوانی می‌پردازند تا هم همگی سهمی در این اقامه عزای داشته باشند و هم آموزش و کسب آمادگی برای این نوحه‌خوانان باشد، از این‌رو بعد از اینکه نوحه مخصوص علم‌کشی به پایان رسید، عده‌ای از سینه‌زنان مجدداً به تبرک جستن به پارچه‌های علم پرداخته و اطراف آن جمع می‌شوند، ولی بزرگ‌ترها و میانداران هیئت به سرعت عزاداران را از اطراف علم جدا ساخته و به مرتب کردن صف‌های سینه‌زنی می‌پردازند تا مراسم از حالت رسمی خود خارج نشده و ادامه پیدا کند. از این‌رو بعد از اینکه عزاداران در صف‌های مرتب روی زمین نشستند، افراد

را حفظ کرده و علم را به جای مناسب در مجلس مشایعت کنند. بزرگ‌ترهای مجلس باید وقتی علم در مجلس مستقر شد، نظم مجلس را حفظ کرده و به سرعت صفوف سینه‌زنی را مرتب نمایند تا مجلس از حالت عادی خارج نشود. در هیئات کوچک‌تر علم باید در وقت مناسب از میان جمعیت خارج شده و به میان مجلس زنانه انتقال یابد. اجرای مجموع این آیین‌ها و رسومات، باید توسط همگی اعضای هیئت از بزرگ و کوچک صورت گیرد که خودبه‌خود موجب یک انسجام بین تمامی اعضای هیئت می‌گردد. هرچه یک هیئت از اعضای منسجم‌تری برخوردار باشد، برگزاری این مراسم با هماهنگی بیشتر و منظم‌تر برگزار خواهد شد و این انسجام در هیئات مرکزی و بزرگ‌تر خیلی بیشتر به چشم خواهد آمد.

آنچه امروزه نظر عاشقان اهل بیت و عزاداران را به خود جلب می‌کند، پرشورتر شدن و حلاوت این مراسم در سال‌های اخیر است. اگرچه می‌توان در این مورد تحلیل‌های متفاوتی همانند غیرت دینی جوانان و ارادت ایشان به ساحت اباعبدالله علیه السلام ارائه داد، اما مهم‌ترین تحلیلی که بنده به‌عنوان یک مشاهده‌گر در سال‌های مختلف به آن رسیدم، پیدایش نوعی انسجام و همبستگی در بین جوانان و اقشار مختلف عزادار مهاجر و همچنین الگوگیری از بزرگ‌ترهای مجالس، برای یادگیری و اجرای سُنن اصیل افغانستانی بر پایه حب الحسین در هیئات محرم می‌باشد؛ چراکه بسیاری از این جوانان متولد ایران بوده و آداب و سنت‌های مناطق پدری خود را از نزدیک ندیده‌اند، از این‌رو وجود این مجالس باعث می‌شود جوانان با این موارد آشنایی بیشتر و بهتری پیدا کرده و آنها را بیاموزند. درواقع مشاهده این مناسک عواطف مذهبی مشترک تمامی عزاداران از پیر و جوان را برمی‌انگیزد، و باعث می‌شود که تمامی آنها در زیر علم حضرتش جمع شوند و به حفظ و برگزاری آداب، مناسک دینی و ارزشی و فرهنگی خود پایبندتر گردند. همچنین این آیین جوانان مهاجر را ترغیب می‌کند تا برای رسوماتی که پدران و گذشتگان آنها انجام می‌دادند اهمیت بیشتری قائل شده و مانند آنها به بزرگداشت این مناسک بپردازند. پس این مراسم، هم احساس دینی و مذهبی مشترکی را بین جوانان و عزاداران ایجاد می‌کند که با برگزاری عزای اباعبدالله علیه السلام به آن می‌پردازند و هم آنها را با شکل خاص و متحدی به برپایی این آیین سوق می‌دهد. از این‌رو چنین مناسکی نقش بسیار مهمی در برطرف کردن بحران هویت و ناکارآمدی دین در انسجام

دیگری از هیئت که نوحه‌ای را برای این شب آماده کرده‌اند نیز آماده نوحه خواندن می‌شوند و به نوبت نوحه‌های خود را می‌خوانند که معمولاً بین پنج تا ده دقیقه طول می‌کشد. این روند در هیئات مرکزی کمی بیشتر طول می‌کشد؛ زیرا تعداد کسانی که تمایل به نوحه خواندن دارند بسیار زیاد است، از این‌رو معمولاً یکی از بزرگ‌ترهای هیئت قبلاً عده معدودی را برای نوحه‌سرایی تعیین می‌کند تا کسانی که آمادگی بیشتری دارند برای این شب آماده شوند و مراسم به طور شکیل‌تری دنبال شود. نوحه‌خوانان پس از استقرار در کنار منبر، یکی پس از دیگری شروع به خواندن نوحه‌هایشان می‌کنند.

۳. پیامدهای فرهنگی

۳-۱. انسجام و همبستگی

در مراسم علم‌کشی، اگرچه اصل مراسم همانند شب‌های گذشته انجام می‌شود و در ظاهر تفاوت چندانی با سایر مراسمات محرم نخواهد داشت، اما همه مراسم به‌آسانی نخواهد بود و هرچه جمعیت هیئت بزرگ‌تر باشد، اجرا و اداره آن می‌تواند سخت‌تر باشد. به همین خاطر اجرای این مراسم همکاری تمامی افراد هیئت از بزرگ و کوچک را می‌طلبد. مثلاً حتماً باید عده‌ای از قبل از مراسم این علم را آماده و تزئین کرده و برای مراسم علم‌کشی مرتب نمایند. فراهم کردن پارچه‌های مناسب و تنظیف و خوشبو کردن و آماده کردن پایه علم نیز از این امور می‌باشد. مداحان اصلی و بزرگ‌ترها باید نوحه مخصوص پای علم را آماده کنند. وقتی در شب قبل از علم‌کشی مسئولان هیئت اعلام می‌کنند که فردا شب، شب علم‌کشی است، بانوان مجلس پارچه‌های دخیل خود را آماده کرده و با خود به مجلس می‌آورند. کسانی که نذورات و قربانی دارند باید آنها را به پای علم برسانند و در هیئاتی که چندین قربانی در پای علم تهیه می‌شود، باید چندین قصاب آنها را قربانی نمایند. علمدار و نوحه‌خوان مجلس باید علم را در موقع مناسب وارد مجلس کند که هم روضه‌خوان حق روضه را ادا کرده باشد و هم مردم آماده سینه‌زنی شده باشند. علمدار باید با آرامی و هماهنگ با سینه‌زنان خود را به جای مناسب در مجلس برساند. جوانان سینه‌زنی که اطراف علم را گرفته‌اند و در هیئات مرکزی با لباس یا سرپند یک‌رنگ مشخص شده‌اند باید در عین سینه‌زنی در اطراف علم، نظم مجلس

و این‌گونه مراسمات به وضوح دیده می‌شود، شرکت و همکاری نسل‌های مختلف می‌باشد. مثلاً نوحه‌سرایی مداحان جوان در کنار پیرغلامان و صاحبان سبک و همچنین سینه زدن جوانان و نوجوانان عزادار در کنار بزرگان و ریش‌سفیدان حسینی، خود موجب برقراری یک پیوند و رابطه عمیق عاطفی می‌گردد. از این‌رو ترویج و پرداختن به چنین مناسکی خودبه‌خود شکاف بین نسل‌های مختلف را می‌کاهد و پیوند میان آنها را هرچه بیشتر خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

بررسی انسان‌شناسانه پدیده علم‌کشی، سبب حصول نتایجی است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. علم‌کشی یکی از آیین‌های سنتی عزاداری افغانستان است که در اکثر قریب به اتفاق مناطق شیعه‌نشین افغانستان برگزار می‌شود.
۲. طبق بررسی‌های انجام‌شده، این آیین در برخی شهرها مانند بامیان و برخی مناطق، حداقل ۵۰ سال قدمت دارد.
۳. این آیین در برخی ولایات و بخش‌ها با کمی اختلاف و یا مقداری اضافات انجام می‌شود، ولی اصل این مراسم در حسینیه‌ها و تکایا پابرجا می‌باشد.
۴. این آیین در بین مهاجرین نیز حفظ شده و در بین هیئات مرکزی از چندین سال قبل اجرا می‌شده است.
۵. امروزه این مراسم با قوت و شور حال بیشتری در اکثر هیئات دنبال می‌شود و به همین سبب، شب هشتم محرم از هفتم محرم، از اهمیت خاصی برخوردار شده است.
۶. این آیین کارکردهایی از جمله انسجام، همبستگی، تحکیم روابط بین دو منطقه و کاستن شکاف بین نسلی خواهد داشت، و لذا میان مهاجرین، مخصوصاً نسل جوان، و رسوم و آداب مذهبی و محلی آنها پیوندی دوباره برقرار خواهد ساخت.

بین نسل‌ها خواهد داشت، یعنی به وضوح می‌توان دید که این قبیل از مناسک برای افراد درونی شده و آنان انگیزه بیشتری برای اجرای سنن قدیمی خود در هیئات، با همان کیفیت و حلاوت پیدا می‌کنند. پس شرکت در این نواع مراسمات و اجرای هرچه بهتر آنها، برای جوانان و نسل جدید اهمیت خاصی پیدا کرده است، به‌طوری‌که اینجانب در حضور چندین ساله‌ای که در متن هیئات داشته‌ام، احساس می‌کنم که امروزه جوانان برای برگزاری آدابی چون علم‌کشی و گهواره‌کشی (مراسمی که در شب عزای حضرت علی اصغر علیه السلام برگزار می‌شود)، علاقه بیشتری نسبت به بزرگسالان و سالمندان هیئات دارند و به نظر می‌رسد این نشانه همان درونی شدن این قبیل آداب می‌باشد که همبستگی بین نسل‌های مختلف مهاجرین عزادار را در پی دارد.

۳-۲. تحکیم روابط بین دو منطقه

در ابتدای این تحقیق بیان شد که هیئات مهاجرین بر اساس قربات خویشاوندی و بر اساس مناطق داخلی افغانستان تشکیل می‌شود، از این‌رو غالباً اعضای هیئات با یکدیگر فامیل، آشنا و دارای قربات دور و نزدیک می‌باشند، برخلاف هیئات مرکزی مهاجرین. با توجه به اینکه در مناطق داخلی افغانستان بنا بر رسم هر ساله، برخی هیئات در این شب به‌عنوان مهمان به هیئات مجاور حضور یافته و همراه آنها به عزاداری می‌پرداختند، گاهی این آیین در بین مهاجرین هم اتفاق می‌افتد و برخی از هیئات این مراسم را با یکدیگر برگزار می‌کنند تا بتوانند آن را هرچه پرشورتر کنند. این حضور و اقامه عزا در کنار یکدیگر باعث تحکیم روابط بین هیئات و مهاجرین مناطق مختلف شده و باعث جریان روابط حسنه در میان آنها می‌گردد.

۳-۳. کاستن شکاف بین نسلی

یکی از آسیب‌هایی که امروزه می‌توان در جوامع امروزی مخصوصاً جامعه مهاجر اشاره داشت، ایجاد شکاف بین نسلی، یعنی بین افراد مسن‌تر و جوان‌ترهای جامعه است که گاه و بیگاه خود را به صورت‌های مختلف نشان می‌دهد. بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در تلاش‌اند تا این شکاف و فاصله ایجادشده در میان نسل دیروز و امروز را بکهند و این معضل را قبل از اینکه تبدیل به مسئله شود برطرف کنند. یکی از پیامدهایی که در مراسم علم‌کشی

منابع.....

- نهج البلاغه (۱۳۸۷). ترجمه محمد دشتی. قم: هادی.
- تقی‌زاده داورى، محمود و خانمحمدى، كريم (۱۳۸۵). تحليل مردم‌شناختى مناسك مذهبي در فرايند جهانى‌شدن؛ مطالعه موردى مناسك قاليشويان مشهد اردهال. *شيعه‌شناسى*، ۲۶، ۷۱-۹۰.
- حسينى، داود (۱۳۸۴). برگزارى ماه مراسم ماه محرم در كويت. *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگى*، ۲۱، ۷۷.
- حميدى، سميه (۱۳۹۵). نخل‌گردانى محرم در درخش: نگاهى انسان‌شناختى. *مطالعات فرهنگى/جتماعى*، ۴۱، ۸۵-۱۰۴.
- خانمحمدى، كريم (۱۳۸۵). چنار خونبار (بررسى پديدارشناختى پديده چنار خونبار الموت قزوین). *شيعه‌شناسى*، ۱۳، ۵۵-۹۲.
- دشتكى، گيتى (۱۳۹۴). بررسى مردم‌شناسانه نخل‌گردانى در بزرگداشت امام حسين عليه السلام شهرستان مهریز استان يزد. *هفت آسمان*، ۶۵، ۵۳-۷۶.
- ربانى خلخالى، على (۱۳۸۶). چهره درخشان قمر بنى‌هاشم. چ هفتم. تهران: مكتب الحسين عليه السلام.
- سپهر، محمدمايوان و عسگرى، مهدي (۱۳۹۲). «آيين نخل‌آرايى و نخل‌گردانى روز عاشورا در ششتمد (سبزوار). *مطالعات فرهنگى/جتماعى*، ش ۲۹، ۱۶۱-۱۸۰.
- ظفراقبال محمد (۱۳۸۴). محرم در اندونزى. *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگى*، ۲۱، ۵۰-۵۲.
- عرب‌احمدى اميرپهرام (۱۳۸۴). مراسم سوگوارى دهه محرم در دارالسلام. *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگى*، ۲۱، ۸۴-۸۵.
- قلی‌ركنى، مهدي (۱۳۸۴). گزارشى از ماه محرم در فيليپين. *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگى*، ۲۱، ۸۰.
- بندرريگى، محمد (۱۳۸۰). ترجمه المنجد. چ ششم. تهران: ايران.
- مرادى بزرگى، عقيل و عسلى، فاطمه (۱۳۸۷). عزادارى ماه محرم در برزگ (كاشان). *فرهنگ مردم/ايران*، ۱۴، ۱۱۹-۱۲۸.
- مرتضوى، سيدضياء (۱۳۸۶). سوگوارى محرم در لس‌آنجلس. *نامه جامعه*، ۴۱، ۵۰-۵۱.
- موسوى مكرم، سيدعبدالرزاق (۱۳۸۹). *مقتل مكرم*. ترجمه پرويز لولاور. چ دوم. تهران: آرام دل.
- وئوقى، متين (۱۳۶۴). مراسم محرم در آناتولى تركيه. *كيهان فرهنگى*، ۱۹، ۳۱-۳۸.
- وحيدى، طاهر (۱۳۹۴). نگاهى به مراسم عزادارى دهه محرم در لاهيجان. *شيعه‌شناسى*، ۴۹، ۸۳-۱۰۸.